

سَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ سَدِّدِ السُّنَّتِنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحَكْمَةِ

خوشامد عرض می‌کنم به همگی برادران و خواهران، و تشکر می‌کنم از شرکت حضار محترم در این کار دستجمعی بسیار بااهمیت. همچنین تشکر و ژوهای دارم از سخنرانان و سخنگوها که آنهایی که مطالبی را عرضه کردند، چه آنهایی که اعتراضاتی را بیان کردند. از رؤس و مدیر برنامه، جناب آقای دکتر واعظزاده هم صمیمانه تشکر می‌کنم؛ هم به خاطر ادارهی خوب این جلسه، و هم بیشتر به خاطر تمهید و سازماندهی اساسی که برای شکل و محتوای این جلسه، ایشان به کمک یک جمعی در طول چند ماه انجام دادند.

هدف از این جلسه و این نشستها، تبادل نظر عالمانه با جمعهای نخبگانی است دربارهی مسائل اساسی کشور. اگر گفته می‌شود اندیشه‌های راهبردی، بلکه در واقع سعی بر این است که به کمک اندیشه پرسش‌ها و منتها می‌توان تقسیم کرد، تنوع کرد؛ اندیشه در باب عدالت، اندیشه در باب زن و خانواده؛ بعد فهرست طولانی‌ای دارد که در حدود بیست و چند موضوع که هر کدام از آنها عنوان اندیشه و روش دارد؛ اندیشه‌ها به این لحاظ است و آلابنا بر این است که این جمع نخبگانی با روش فکری و معنوی و کمکی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهند کرد، انشاءالله در هر زمینه‌های به یک نظر واحد و یک اندیشه واحد برسیم.

البته در این جلسات، عرض این نیست که ما از صفر تا صد یک موضوع را بررسی کنیم - که عملی هم نیست - غرض، باز شدن راه مواجهه با مسائلی است که برای یک کشور و برای آینده مطرح است. می‌خواهیم بخصوص از جهات نظری گشایشی بشود، راهی باز شود، تا نخبگان کشور، مغزهای فعال کشور و مجربان در هر رشته‌ای بتوانند سهمی بر عهده بگیرند برای انعقاد یک فکر صحیح، که قاعده‌های اجرا و عمل و برنامه‌ریزی خواهد شد؛ قصد این است. هم در عرصه‌های نظری، ما نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ هم در عرصه‌های کاربردی، نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ اینها در این جلسات شناخته می‌شود. با بحثی که صاحب‌نظران و مجربان هر رشته‌ای با یکدیگر بر معلومات و دستاوردهای علمی خود می‌کنند، ما می‌توانیم نقاط قوت خودمان را تشخیص بدهیم و نقاط ضعف خودمان را هم تشخیص بدهیم و درصدد اصلاح بپردازیم. می‌خواهیم آن نقاط رخنه‌پذیر را نقاط سست را ترمیم کنیم، اصلاح کنیم و ضعفها را برطرف کنیم.

با بداندیم در حوزه‌های نظری پیردازی، کجا جلو می‌رویم، کجا عقب می‌مانیم. یک جاهایی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقب می‌مانیم. در همه زمینه‌های زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آیات کریمه‌ای قرآنی که آیاتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند، و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می‌شود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تصور کنیم؛ به شکل نظرهای و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در برابر ما و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌های سی‌ساله‌ای را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شما هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می‌کنند، زیاد پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می‌خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.

قبلاً دو تا نشست داشته‌ایم: یک نشست مربوط به الگوی اسلامی - آرائی و شرف‌ت بود، یک نشست هم مربوط به عدالت بود؛ که اگرچه دو موضوع جداگانه هستند، اما در طول هم می‌آیند. کارهای خوبی انجام گرفته. من می‌دانم برادران و خواهران این را بدانند؛ چون در کاری که از حالا به بعد می‌خواهیم نسبت به موضوع آمشب داشته باشیم، تأذیر می‌گذارد. بدانید کار با جدیت پیش می‌رود. آقای دکتر واعظزاده اشاره کردند. تفصیل کارهایی که شده، بیش از آن مقداری است که حتی ایشان به عنوان گزارش گفتند؛ چون بنای بر اختصار داشتند. کارهای جدی خوبی شده. بخصوص این مرکزی که برای الگوی اسلامی - آرائی و شرف‌ت تشکیل شد، با کمک محققین مشغول کارهای بسیار خوبی است. در واقع این جلسات هر کدام بذری را در یک سرزمین مستعدی می‌پاشد. آری این سرزمین به عهده‌های عواملی است که بعضی تا حالا تمهید شده‌اند، بعضی هم در فکر هستیم که انشاءالله تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک می‌کند تا بیاید. ما خیلی عجله هم نداریم. البته ما می‌کارها سرچشمه برود - معنی با تنبلی و عقبماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمی‌خواهیم شتابزده کار کنیم؛ می‌خواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دریا. انشاءالله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسهی قبلی - این نقش را ایفا خواهد کرد؛ من یک اطمینانی به این معنا دارم.

مسئله‌های زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند،

۱ بن معنا را ثابت کردند. ه چ لزومی ندارد که ما بش از آنچه شما گفته د و خ لمی وس ع و خوب ب ان کرد د، چ زی بگوئ م. خود ا بن بانان نشان داد که مسئله بس ار مهم است. اولاً نقش و سهم بانوان در نظام، ک نقش فوقالعاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شا د جوانهای عز زی که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند ا در دوران انقلاب نبودند، نه دانند آنجا چه اتفاقی افتاد؛ جز از طریق گزارشهایی که همایش هم متأسفانه ناقص است. همهی گزارشهایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب ب رون آمده، گزارشهای ناقص و کجانبه و کوتاه است. ک کار بزرگی هم در ا بن زم نه دار م، که اگر چه جزو اند شهبای راهبردی ن ست، اما جزو کارهای راهبردی است و انشاءالله با د دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، م دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن ک سال و ن می که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان ک نقش مؤثر و بجا گز بن داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی ا بن اجتماعات، بلاشک ا بن اجتماعات عظم و ا بن تظاهرات عظم، آن اثر را نه بخش د؛ علاوه بر ا نکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع ا بن تظاهرات، از زنان شد. یعنی اول بن حرکت عمومی مردمی، ک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پل س هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکتی مردانه راه افتاد. هم در مبارزات ا بنجور بود، هم در ا فای نقش در تشک ل نظام، هم در دوران سرعت پد ا آمده بعد از تشک ل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت «حتی اذا ضاقت عل هم الأرض بما رحبت» (۱) اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضیها جنگ را از تلو ز ون و راد و و ا نها م شنفتند، بعضیها با جسم و جان و تن خودشان توی م دان جنگ بودند. ا بن گزارشهای پر از حماسه و شور که از جنگ داده م شود، همایش هم درست است - من چون خ لمی از ا بن کتابهای مربوط به خاطرات رزمندگان را م خوانم، م دانم همهی ا نها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم ب م از مرگ و ا نها، همایش هم نی است که توی گزارشها هست و درست است؛ مکن نگاه کلان به جنگ، ک نگاه کاملاً محنتبار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد م جنگد، او که نه دانند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعهی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعفهایی هست، چه نگرانیها و دغدغههای جدی است و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهایی، چه دلهرههایی وجود دارد. دوران سختی بود. در ا بن دوران سخت، نقش زنان، ک نقش فوقالعاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در م دان جنگ، در کارهای پشته بانی و بعضاً بندرت در کارهای عمل ا تی و نظامی - که من بخش کارهای پشته بانا ش را خودم از نزد ک در اهواز د دم - ک نقش فوقالعاده بود. زنها حتی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ هم بن نوشتهی خانم حس نی - ۱۵ - ا بن نشان م دهد. ا نها ک مجموعهی کاری است که واقعاً با ه چ مع اری، با ه چ تراژوئی قابل اندازهگ ری ن ست. مادر، مادر شه د، مادر دو شه د، مادر سه شه د، مادر چهار شه د؛ شوخی ن ست؛ ا نها به زبان آسان م آ د. بچهی انسان سرما م خورد، دو تا سرفه م کند، چقدر نگران م شو م؟ ک بچهی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و ا بن مادر با همان احساسات مادرانهی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ا فاء کند که صد تا مادر د مگر تشوق بشوند بچههاشان را بفرستند م دان جنگ. اگر ا بن مادرها آن وقتی که جنازهی بچههاشان م آ مد ا حتی نم آ مد، آه و ناله م کردند، گله م کردند، قه چاک م زدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ م کردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان مراحل اول زم نگ م شد. نقش مادران شهدا بن است.

همسران صبور شهدا، زنهاي جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگي ش ر بن خانوادگي مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضي بشوند ا بن شوهر جوان بلند شود برود جائی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگ رند. ا نها آن نقشهای بید بل است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری با جانبازان است. خانمهایی رفتند همسر جانبازان شدند. ک مرد ناقص م وب اح اناً با اخلاق به خاطر وضع جسمی ا اختلالات ناشی از موجرفتنگی و غ ره را انسان به عنوان ک متعهد و ک مسؤل، داوطلبانه و بدون ه چ اجباری برود پد را ا ش را به عهده بگ رد، خ لمی فداکاری کرده است. ک وقت شما م گوئ د من م آ م روزی دو ساعت از شما پد رایی م کنم. خب، هر روزی که شما م رو د، او از شما تشکر م کند. ک وقت هست که نخ ر، شما خودتان را به عنوان همسر او توی خانهی او م گذار د؛ شد د بدهکار! یعنی طبعت کار ا بن است که با د شما بن کار را بکن د. ا نها بن فداکاری را کردند. اصلاً نه شود نقش زنان را محاسبه کرد.

و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که ا بن نقش را فهم د، امام بزرگوار ما بود - مثل خ لمی چ زهای د مگری که اول او فهم د، در حالی که ه چکدام از ماها نه فهم د م - همچنان که امام نقش مردم را فهم د. امام تأثر و حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که ه چ کس درک نه کرد. بزرگانی با ک تعب رات زشتی به ما م گفتند که شما فکر م کن د با هم بن مردم م شود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحق ر حرف م زدند، کأنه اصلاً انسان ن ست آن کسی که

به او اشاره می‌کنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانا[های آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاک بزرگ نورانی برون می‌آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند تویی می‌دان. آن روزی که روز تشکر بود، از همهی قشرها آمدند تویی که تهنیت دانشجوی آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچک و بازار آمدند؛ آمدند عضو گم تهنیت شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود با ما برو، بساز، درست کن - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشا[های ما تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم پیش می‌رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده با ما دنبالش برویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست می‌شود.

امام در زمه نهی زن هم هم بن جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و آلا بودند بزرگانی از علما که ما با آنها بگومگو داشته‌ایم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند! آنها می‌گفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می‌داد، خاطر جمع می‌شد، تا بتواند در مقابل این بنجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه می‌شد، با استدلال حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای تعالی تا ابد این بن مرد بزرگ باد.

به هر حال نقش زنان، یک نقش بلند می‌است. پس خود این نقش، اقتضاء می‌کند؛ چون آمده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی با صد سال عمر کند. ما هنوز در اول جوان[ی‌اش هستیم. آمده است که این حضور زنانه در مجموعه‌ی حضور ملی. پس با سستی ما راجع به مسئله‌ی زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه‌ی ما وجود دارد، تلاش کنیم. این در اول است برای اینکه با ما به مسئله‌ی زن بپردازیم. در اول دوم، مسئله‌ی خانواده است. گویندگان محترم امشب درباره‌ی خانواده بسیار بحث‌های خوبی کردند. حقاً بحث‌ها خوب بود. من اگر بخوام داوری کنم، خواهم گفت که متوسط بحثها از سطح خوب بالاتر بود؛ حرف‌های درست، آمارهای خوب، استنباط‌های خوب، استنتاج‌های خوب، از زواای مختلف. یک قضیه‌ی چندبعدی را، از هر بعدی، یک صاحب‌نظری، یک اندیشمندی بررسی کرد. نورافکنها را انداخته ما به یک کوهی این موضوع حساس و مهم. انسان می‌تواند این زواا را ببیند. ما واقعاً استفاده کردیم.

بنابراین مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ یا همی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دستگردد؛ اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دستگردد؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غر از سلولها چرزد نگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله‌ی اینقدر مهم است دارد.

جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانوادگی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد به شرف کند. بالخصوص در زمه نهیهای فرهنگی و البته در زمه نهیهای فرهنگی، بدون خانواده‌های خوب، امکان به شرف نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می‌گوئید در غرب خانواده نیست، به شرف هم هست. آنچه که امروز در و رانی بناد خانواده در غرب روز به روز بیشتر دارد نمودارهاش ظاهر می‌شود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ چه عجولهای نباشد داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این به شرفتها دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله‌ی جنسیت با همان رعایت‌های اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در آمریکا این را می‌بیند و مشاهده می‌کند. این مسئله‌ی رعایت‌های اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر، مسئله‌ی حجاب، پرهیز از تهنیت، اینها چه زوایی بود که آن روز وجود داشت. این بنبندوبارها و اباحگرها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز که زمه نهیهای فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسار تلخ و سختی را برای آنها رقم می‌زند. این هم جهت دوم.

جهت سوم هم این است که در این سی و دو سال، مسئله‌ی زن از نظر جبهه‌ی دشمنان ما، در یکی از بلانسه‌های جدول اعتراضها به ماست. از اول انقلاب روی مسئله‌ی زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند، در ردیف ترورسیم و در ردیف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعه‌ی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است، اسلام چرین است. البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خوب، ما در

۱ بن زه نه با سستی مواجهه کند، مقابله کند. افکار عمومی جهان را نه شود دستکم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خبائت ندارند؛ خبائت مال یک عده‌ی خاص است، مال س استگران و س استسازان و برنامهر زن و ان نهاسه ما نبا د اجازه بده م که عامه‌ی مردم دچار ان اغوای بزرگ قرار بگ رند؛ لذا با د وارد شو م.

البته ان را هم بگوئ م؛ غرب رندانه از ز ر بار طرح مسله‌ی خانواده در م رود. نوب همه‌ی بحثهایی که ان نه م کنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است. مسله‌ی زن را مطرح م کنند، اما اصلاً اسم خانواده را نه آورند؛ با انکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رس دن به ان مسله، لازم است.

خب، ان جلسه هم که خ لمی خوب بود. آنچه که ما در ان جلسه فهم د م، علاوه بر استفادهای که از محتوای مطالب دوستان کرد م، مهم ان بود که فهم د م در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای برزه نمانده الی ماشاءالله دار م. انقدر کار برزه بن مانده دار م که بعضی از هم بن به شهادتهایی که دوستان کردند - که مرکز چن نی تشک ل شود، مرکز چنایی تشک ل شود - همهاش درست است با د واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقا و اعظزاده و دگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار ان نشست در مورد مسله‌ی زن و خانواده صحبت کرد م؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زه نهی مسائل نظر پپردازی کارهای مهمی انشاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زه نهی گفتمانسازی، و هم در زه نهی نزد یک کردن ان گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن د مگر کار دشواری نیست. معنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و م دارند، همه‌ی آنها برطرف م شود. گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس م کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. با ان گفتمانسازی انجام بگ رد؛ که البته نقش رسانهها و بالخصوص نقش روحان ون و نقش بزرگان و اسات د دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.

خب، ما با د در ان زه نه، خلأهای نظری را پر کند م. نه بجه ان خواهد شد که سرما هگذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است ان را ما تصدق م کند م. ما با مراجعه‌ی به مقاله‌های دوستان - که چک دهی مقالهها و خود مقالهها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کردهام - به ان نه بجه م رس م که با سستی مجموعه‌ی نظام، سرما هگذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زه نهی پژوهش در ان مسله بکند.

دوم: بررسی و نقد نظر ههای رائج دن، بدون انفعال. ان مسله‌ی بدون انفعال، خ لمی مسله‌ی مهمی است. البته من امشب از اول بن سخنران که مطالبی را ب ان کردند، تا آخر، ان روح را د م؛ د م نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهایی که شما به غرب کرد د، به ستر در زه نهی خانواده بود؛ اما عه دهی من ان است که به ستر بن جر مهمی غرب در مسله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است و ان را با یک جمله و دو جمله نه شود توصف کرد. بزرگتر بن ضربه و اهانت به کرامت زن را هم بن س است غربی دارد انجام م دهد. هم بن فم ن ستهای افراطی هم - که خب، لا ههای متعددی دارند - من ح م ث لا شعر دارند به زن ضربه م زنند. حالا من ح م ث لا شعر که م گوئ م، نگاه خوشب نانه است - معنی انهایی که دستا ندر کارند، ظاهراً نه فهمند چه کار دارند م کنند - احتمال دارد س استگذارانی، برنامهر زانی در پشت صحنه هستند که آنها م فهمند دارند چه کار م کنند؛ کما انکه ان احتمال در همان پروتکل‌های صه ون سم کاملاً به شب نی شده. معنی ضاح کردن جنس زن و او را مظهری برای استفادهی شهوانی مرد قرار دادن، در مواد آن پروتکلها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لکن وقتی آدم دستگاه صه ون سم و شبکی تبل غاتی صه ون سم را ملاحظه م کند، م م بند عملاً هم بن کار م کنند؛ حالا اگر هم برا شان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام م دهند؛ ملتزمند ان کار را بکنند، و دارند م کنند. زن را ضاح م کنند. معنی آنچنان رسم و عرف و عادت لا تخلف شده که کسانی جرأت نه کنند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد با د با لباس رسمی به ان د؛ پا ون بزند، قهاس بسته باشد، آست نش هم تا سر مچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد تشرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسهی رسمی، حتماً با سستی بخشهای مهمی از بدنش عر ان باشد؛ اگر پوش دهی کامل به ان د، محل اشکال است اگر بدون جذابه‌ها به ان د، محل اشکال است اگر آرا شنکرده به ان د، محل اشکال است! ان شده عرف. افتخار هم م کنند. در غرب، بخصوص در آمر کا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاند ناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضهی جنسی زن در مقابل مرد است در روزنامهها و مجلات هم تبل غ م شود، ه بچ کس هم اعتراض نه کنند! ان شده عرف، ان شده عادت. چه ضربهای برای زن از ان بالا تر؟ الگو درست کردن برای زنان به ان شکل - زنان خودشان را م گو م، و کشورهایی که دنبالهرو آنها بند، نه زنان ما را - یکی از بزرگتر بن ضربه‌هایی است که دارند م زنند. بنابراین نبا د در

مقابل ۱ بن فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیق به سر می برد. فقط خانواده نیست بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجز بی است.

ما با دیدن برسر راهها، از دارائیهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. دهها نظر ۴ و الگوی مترقی در همه بن نهی زن و خانواده می شود استخراج کرد. اینها نظر پیردازی بشود، تئور زه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای متمدن و بلندمدتی است که حتماً با سستی انجام بگیرد. تعالی هم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث با دیدن مورد استفاده قرار بگیرد.

البته من یک چند تا اید داشت اینجا نوشتهم، اما هم وقت کم است، هم خیلی از حرفها هم بن جازده شد؛ بنابراین از این نیست که حالا بنده هم آنها را تکرار کنم. از مجموع این چند زبانی که من نوشتم، آنچه که ما می بینیم اینجا عرض کنم، این است که فوج جمله نگاه اسلام به زن - به حدیث جنس - یک نگاه فوقالعاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حدیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس می گیرند - از مجلس، از حوزه، از مراجعات گوناگون مردمی، از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را می گویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط به زن است. مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکون داشته باشد، حقاً وقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت به زن اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الَّذی علیهنّ» (۲) در خانواده رعایت شود - این چند زبانی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات به رون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً برای اینها فائق می آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه اجتماع هم خواهد توانست.

هم در مسئله خود زن، هم در مسئله خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ای دو است؛ نگاه اول و درجه‌ای یک، حدیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «یا ایها الذین آمنوا» است، «یا ایها الذین آمنوا» یعنی صغیراً، صغیراً، صغیراً مردانه است، نه صغیراً زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیدگاه آن عوامل هم برای ما روشن است. حالاً نمی‌خواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را می‌گوئیم مردم؛ از مردم می‌گوییم، نه می‌گوئیم زنم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه‌ای نیست که غلبه فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چیز تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگر دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمایی به رونی است، زن نمایی داخلی است. بخواهیم یک خرده ذوقاً بگوئیم، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات می‌شود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او انبجوری است خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگر؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همه بن خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خوب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه‌های شریفه سوره‌های احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً بن هم به خاطر همه بن است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بگویند: «ان المسلمة بن و المسلمات و المؤمنة بن و المؤمنات و القانتة بن و القانتات و الصادقة بن و الصادقات و الصابرة بن و الصابرات و الخاشعة بن و الخاشعات و المتصدقة بن و المتصدقات و الصائمه بن و الصائمات و الحافظة بن و الحافظات و الذاکرة بن الله کثره را و الذاکرات». از اسلام تا ذکر، یک سلسله مدارک متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را بداند می‌کند. «اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیماً». (۳) همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند.

در سوره‌های مبارکه‌ای آل عمران، بعد از آن «ربنا» هم می‌گویند: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض» (۴). مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همه بن اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا می‌کشد؛ که یک چیز بن حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن ذکر نمی‌کند: «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط». (۵) نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرأت نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «کانتا تحت عبد بن من عبادنا صالح بن فخانتاهما» (۶) تا آخر. «و ضرب الله مثلاً

لذ بن ءامنوا امرأت فرعون؛ خدای متعال ا نجا هم برای مؤمن بن دو تا زن را اسم ه آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیا آمدند و رفتند. وقتی م خواهد برای ا نجا یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی م کند: یکی «امرات فرعون» - اذ قالت رب این لی عندک بن تا فی الجنۃ و نجنی من فرعون و عمله (7) تا آخر - دوم «و مریم ابنت عمران الی احصنت فرجها فنحننا فیه من روحنا و صدقت بکلمات ربها». (8) اصلاً چه ز عجب بی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است در کارکردهای زندگی معنا پیدا م کند، در سه ر اصلی بشره بیچ تأثری ندارد و معنایی پیدا نم کند. حتی کارها شان با هم متفاوت است. «جهاد المرأه حسن التبعه»؛ (9) یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن م دهد؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقهاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلند ترشان، خوب، زنی بتواند با این شرایط، محیط خانه را گرم و گرم و دارای سکنه و آرامش - سکن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است این واقعاً جهاد است این شعبهای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند؛ جهاد با نفس است. حالا در مورد خانواده، حرف خیلی زیاد است. مسئله همسری، مسئله مادری، اینها همه اش با مد تفکک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ این نقش همسری، فوقالعاده است و لو اصلاً مادر ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است اما بلند نیست به زانمان، ابه هر دل می امکان زانمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دستکم گرفت. ما اگر م خواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، با این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و آلا نم شود.

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پ روزی انقلاب، آزمایش کردیم مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پا دار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که آمدند خطبهای عقدشان را م خواندم - آن وقتهایی که م خواندم؛ حالا که توفیق ندارم - م گفتم خیلی از خانمها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت م کنند؛ خیلی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم م کنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم م ناهم بن نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم با سستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است که خوب، اینجا مفصل باناتی کردند و خیلی بحث زیاد است.

از جمله مسائل که مطرح م شود، مسئله اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جملهی چ زهائی است که ما با آن موافق م. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغال سیاسی و اجتماعی و فعالتهای خردخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زنها نصف جامعه اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این زن م جامعه در زمه نهی اینگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دوسه تا اصل را با بد نداده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانوی و مادری است - تحتالشعاع قرار ندهد. م شود هم. به نظرم م رسد مواردی داشته م که خانمهایی اینطور عمل م کردند. البته یک قدری به آنها سخت م گذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانهداری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچهی خودتان را در خانه تربیت نکردید، اگر بچه نیاوردید، اگر تارهای فوقالعاده ظرف عواطف او را - که از نخهای ابرشیم ظرفیتر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقدهی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگری نمیتواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا استاد هاند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدلیل ندارد؛ تعین با این است.

آن وقت هم بن جا وظیفهای بر دوش دولت است. با بد به آن خانمهایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تماموقت از مهوقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله مادری برسند، به مسئله خانهداری برسند. با مرخصیها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی با سستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.

دوم بن مسئله، مسئله محرم و نامحرم است. مسئله محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمدهای از این قضیه محرم و نامحرم باز بر مگردد به خانواده. یعنی چشم پاک و دل بیوسوسه و ریب برای هر یک از زوج بن

موجب می شود که محط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محط را گرم می کند. اگر آن طرف مقابل هم هم بن چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً بن دوجانبه خواهد شد و محط می شود محط کانون خانوادگی گرم و با محبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بلامحبت و بلااعتقاد به همسری وجود داشت، ولو ظاهر ساز لهایی هم باشد، محط خانواده سرد می شود.

در مقالات دوستان خواندم که هم بن برون رفتنها و هم بن اشتغالات و اینها موجب می شود که گاهی سوءظنهای بجا به وجود می آید. لکن فرقی نمی کند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن، مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را می بخشد؛ مثل گلولههایی است که از این لوله برون می آید؛ اگر توی سینه کسی خورد، می کشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتبهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمی گذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلک کرد، عامد نبود، پس من سینه ای بن طرف مقابل را ندرم نه، گلوله می درد. این سوءظن کار خودش را می کند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصورات و توهمات بجا باشد.

یک نکته هم مسئله ازدواج است. ازدواج یک تقدسی دارد از نظر ادانی که حالا من می شناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آمادگی به کار در این زمینه نه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسجدها آن را توی کلاس انجام می دهند، هودها آن را در کنائشان انجام می دهند؛ مسلمانها هم اگر چه در مسجد انجام نمی دهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، والا در امام متبرک دینی و عمدتاً به وسایلی رجالی دین، این را انجام می دهند. رجالی دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین باین می کند. بنابراین صبغه کاملاً صبغی دینی است. ازدواج یک جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به هم بن کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رائج شده. این مهریهایی سنگ بن به خیال آنکه می تواند پشتوانی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعین می شود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می کند، می بردنش زندان یک سال، دو سال زندان می ماند. در این اقدام، به زن چه زی نمی رسد؛ او بهرهای نمی برد، جز اینکه کانون خانوادهاش هم متلاشی می شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسن بن علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنه عقد نکردیم، به خاطر این است و آلا می توانستند. اگر امام حسن بن می خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می توانست لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده دینار او - می داد به این کار بشود. آنها می توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است این خیالی خوب است.

اینهم بن تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می گدرد وقتی می شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمانسازی می خواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانان، بخصوص صدا و سیمای رسانهها با این در این زمینه آنها کار کنند؛ این را از این حالت برون بیاورند.

یک کلمه هم درباره نقش مردان عرض کنم. در خانواده هی گفته می شود نقش زن. دلش هم واضح است چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بلخالی، مردهای بلاعاطفه، مردهای عاقل، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محط خانه لطمه می زنند. مرد با قدردان باشد. جامعه با قدردان باشد. حتماً با سستی بر روی کارزنهای خاندان ارزشگذاری و ژه بشود. بعضی می توانستند بروند کار بگردند، بعضی می توانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من در این زمانی را از این قبل - گفتند ما می خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفته می کار بگردیم. زن نرفته کار بگردد، آن کار هم زه بن نماند؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. با این در اینجور زنی قدردانی شود. در بانای که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً به مهیایی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تا بن اقتصادشان، به مهیشان، به هی چه زهائی که لازم است، با این در نظر گرفته شود.

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که در این حال اینهم داستان مفصلی است.

به هر حال از شما تشکر می کنم. من از این جلسه راضی هستم. الحمدلله جلسهی خوبی بود. انشاءالله خداوند هم از همهی ما راضی باشد و زحماتی که کشیدید، منظور نظر حضرت بقه الله (ارواحنا فداه) باشد و کار هم انشاءالله دنبال شود و دنبال می شود. یک طرح خوبی هم در زمینه سستی کار بن نالمللی در خصوص زن مطرح شد، که حالا مجال نشد درباره این صحبت کنیم. من آن طرح را دیدم و آن را تأیید می کنم. از نظرات خانمی هم که درباره مسائل

ب نالملی صحبت کردند، ه شود استفاده کرد. خوب است ک کار ب نالملی در زم نهی زنان انجام بگ رد.

خداوند متعال به همهی شماها خ ر بدهد. پروردگارا! رحمت و فضل و هدایت خودت را برا بن جمع نازل کن.
پروردگارا! آنچه گفته بش و شنید بش و انجام داد بش و خواه بش داد، برای خودت و در راه خودت و خالصاً و مخلصاً قرار
بده. پروردگارا! آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! توفیقات خودت را برا بن جمع و بر همهی ملت ایران و بخصوص بر
مسئولانی که در این زم نه مسئولیتهای زیادی دارند، نازل بفرما.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- (1) توبه: 118
- (2) بقره: 228
- (3) احزاب: 35
- (4) آل عمران: 195
- (5) تحریم: 10
- (6) تحریم: 10
- (7) تحریم: 11
- (8) تحریم: 12
- (9) کافی، ج 5، ص 9